

درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: صحیح و اعم

تاریخ: ۱ اردیبهشت ۱۳۹۳

موضوع جزئی: امر هفتم: تصویر جامع (حق در مسئله)

مصادف با: ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۳۵

سال: پنجم

جلسه: ۱۰۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

جمع بندی مطالب در امر هفتم:

بعد از وجوه مختلفی که برای تصویر جامع علی القول بالصحیح و علی القول بالاعم ذکر کردیم اکنون نوبت جمع بندی مطالبی است که در امر هفتم (تصویر جامع) مطرح کردیم، عرض کردیم قبل از ورود به ادله طرفین یعنی قول به صحیح و قول به اعم اموری را مقدمه باید متعرض شویم، بحث و سخن ما در امر هفتم بود، عنوان امر هفتم عبارت از تصویر جامع بود، گفتیم در امر هفتم در دو مقام بحث می‌کنیم؛ مقام اول ضرورت تصویر جامع بود، اینکه اساساً چرا ما باید یک چیزی را به عنوان جامع تصویر کنیم و هم اعمی و هم صحیحی ناچار از تصویر جامع است، پس در مقام اول سخن از لادیت و ضرورت تصویر جامع علی القولین (صحیح و اعم) بود. در مقام دوم بحث از وجوه تصویر جامع بود، اینکه حالا چه تصویری می‌شود از جامع ارائه داد، ما این مسئله را در الفاظ عبادات هم علی القول به صحیح و هم علی القول به اعم مطرح کردیم، شش وجه برای تصویر جامع علی القول به صحیح ذکر کردیم و همه این وجوه مورد خدشه واقع شد، سپس به وجوه تصویر جامع علی القول بالاعم که پنج وجه بود اشاره کردیم که همه آن وجوه هم مورد اشکال واقع شد.

حال مسئله این است که:

ما از طرفی در مقام اول ادعا کردیم تصویر جامع، ضروری است و چه اعمی و چه صحیحی باید یک جامعی را تصویر کند، وجه آن هم این بود که وضع در الفاظ عبادات عام و موضوع له آنها هم عام است، ما وقتی می‌گوییم موضوع له الفاظ عبادات عام است معنایش این است که شارع الفاظ عبادات را برای یک معنای کلی و عام وضع کرده، وضع هم عام است یعنی واضع در هنگام وضع یک معنای عامی را تصور کرده و لفظ را برای همان معنای عام و کلی قرار داده است لذا وضع عام و موضوع له هم عام است. پس وقتی ما گفتیم وضع الفاظ عبادات و موضوع له آنها عام است قهراً باید یک جامعی را تصویر کنیم.

از طرفی هم گفتیم الفاظ عبادات به نحو مشترک لفظی برای افراد مختلف صلاة وضع نشده‌اند و این امری است که هیچ کس به آن ملتزم نشده که مثلاً واضع یک بار لفظ «صلاة» را برای صلاة یومیه وضع کرده باشد، بار دیگر همین لفظ را برای صلاة عید وضع کرده باشد و برای بار سوم همین لفظ «صلاة» را برای صلاة جمعه وضع کرده باشد که این معانی مختلف باشد و فقط در لفظ «صلاة» با هم مشترک باشند، پس وضع الفاظ عبادات به نحو مشترک لفظی هم قطعاً باطل است.

پس وقتی وضع و موضوع له الفاظ عبادات عام باشد و وضع آنها هم به نحو مشترک لفظی نباشد قهراً ما ناچار از تصویر جامع خواهیم بود و لذا باید بدانیم واضح، الفاظ عبادات مثل لفظ «صلاة» را برای چه معنای عامی وضع کرده که همه افراد متباین صلاة را شامل می‌شود. بالاخره در اینکه صلاة دارای افراد و مصادیق مختلف و دارای حیثیات و شئون متفاوت است بحثی نیست، در اینکه خصوصیات نمازها با هم متباین هستند تردیدی نیست حال آیا واضح می‌تواند همه این خصوصیات متباینه را با هم لحاظ کند و لفظ «صلاة» را برای یک معنای کلی وضع کند که شامل همه این خصوصیات متباینه بشود؟ اگر بخواهد همه خصوصیات متباینه موجود در نمازهای مختلف در موضوع له اخذ شود نتیجه‌اش این خواهد شد که موضوع له خاص باشد و این خلاف فرض ماست، پس خصوصیات باید کنار گذاشته شود، لذا باید یک معنایی برای لفظ «صلاة» در نظر گرفته شود که همه افراد نماز (نماز یومیه، مستحب، واجب، عید، جمعه، ایستاده، نشسته، خوابیده، غرقی و امثال آن) را در بر بگیرد.

پس ما از یک طرف گفتیم تصویر جامع لازم است و ضمن اینکه دلیل و برهان بر ضرورت تصویر جامع اقامه کردیم در عین حال قول منکرین احتیاج به جامع را هم رد کردیم، اگر به خاطر داشته باشید محقق نائینی از کسانی بود که منکر احتیاج به جامع خصوصاً علی القول به صحیح بود که ما نظر ایشان و دلیلی که اقامه کرده بود را رد کردیم و گفتیم تصویر جامع ضروری است اما در عین حال همه وجوهی را هم که برای تصویر جامع اقامه شده بود مورد خدشه قرار دادیم، چه وجوهی که برای جامع علی القول به اعم ارائه شد و چه وجوهی که برای جامع علی القول به صحیح ارائه شد. مسئله این است که چگونه می‌توان بین این دو مطلب جمع کرد؟

کلام شیخ انصاری:

یک مطلبی را مرحوم شیخ انصاری را اشاره کرده که ما از آن مطلب در ما نحن فیه استفاده می‌کنیم، ایشان می‌گوید: ما به مطلق جامع نیاز داریم ولی آن جامعی که مقصود و منظور در این مقام است را قبول نداریم؛ به عبارت دیگر می‌گوید: ما نیاز به تصویر جامع داریم اما نه جامعی که در اینجا مورد بحث واقع شده، چون لابدیت جامع مورد تردید نیست. ایشان معتقد است موضوع له در الفاظ عبادات عبارت است از طبیعت جامع اجزاء و شرائط اولیه که بر مکلفین بدواً جعل شده است، ایشان در واقع مدعی است موضوع له یک معنای کلی و عام است که همان طبیعت جامع اجزاء و شرائط اولیه است که بدواً بر مکلفین جعل شده است، مثلاً لفظ «صلاة» برای یک طبیعتی وضع شده که واجد اجزاء و شرائط اولیه می‌باشد و این یک عنوانی کلی است که در کثیری از افراد آن ماهیت وجود دارد لکن در مورد افراد صحیح در مراتب دیگر و افراد فاسد متفاوت است، یعنی افراد صحیحی که در سایر مراتب هستند این طبیعت را دارند لکن در یک رتبه پایین‌تر، افرادی هم که فاسد هستند واجد این طبیعت می‌باشند، آنچه مهم است خود طبیعت است.

مثلاً یک طبیعتی مثل حیوان مفترس که لفظ «اسد» برای آن وضع شده انواع و اقسام مختلفی مثل مریض، سالم، ماده، نر، بچه، بزرگ و امثال آن دارد ولی همه اینها در این طبیعت مشترکند و آن طبیعتی که لفظ «اسد» برای آن قرار داده شده

عبارت است از حیوانی که دهانش بد بو است و در بیشه و جنگل زندگی می‌کند و دارای خصوصیت شجاعت است و این همان طبیعت جامع اجزاء و شرائط اولیه است اما وقتی شما همین لفظ «اسد» را مثلاً در شیری که مریض است بکار می‌برید این استعمال، مجازی نیست، همچنین استعمال این لفظ در بچه شیر و شیر ناتوان و علیل هم مجازی نیست، چون این طبیعت جامع اجزاء و شرائط اولیه در همه انواع مختلف شیر وجود دارد. پس لفظ «صلاة» هم برای طبیعت جامع اجزاء و شرائط اولیه وضع شده که در همه افراد مختلف نماز وجود دارد.^۱

کلام امام (ره):

اساس تصویری که امام (ره) برای جامع ارائه داد هم در واقع متخذ از همین کلام مرحوم شیخ انصاری است که عرض کردیم، اصل سخن امام (ره) این بود که ما باید جامع را این گونه تصویر کنیم که همه افراد ماهیت را در بر بگیرد، ایشان معتقد است اساساً فرض جامع علی القول بالصحیح و علی القول بالاعم مما لا معنی محصل له؛ یعنی فرض جامع معنای محصلی ندارد و هیچ فایده‌ای بر آن مترتب نمی‌شود - گرچه ما نظر ایشان را در تصویر جامع علی القول بالصحیح ذکر کردیم ولی همان جا عرض کردیم که این تصویر هم علی القول بالصحیح قابل ارائه است و هم علی القول بالاعم - ایشان فرمود: مثلاً لفظ «صلاة» وضع شده برای یک ماهیت خاص اعتباری که به نحو لایبشرط اخذ شده و مواد خاصی در آن وجود دارد که به نحو لایبشرط فانی در آن هیئت هستند؛ مثلاً مواد نماز عبارتند از: ذکر، قرآن، رکوع و سجود به نحو لایبشرط ولی این نماز هیئتی هم دارد که عبارت است از: صورت اتصالی خاص که آن مواد (رکوع، سجود، ذکر و قرآن) به ضمیمه این هیئت و شکل و متحد با یکدیگر حقیقت و طبیعت و ماهیت نماز را تشکیل می‌دهند لکن آن مقداری از این مواد و صورت که قابل اتیان است، یعنی این طبیعت که هیئت خاصی دارند در حدی که مقدور و میسورند ماهیت نماز را تشکیل می‌دهند، هم ماده آن به نحو لایبشرط اخذ شده و هم هیئت آن، پس نماز عبادت خاصه‌ای است که دارای شکل خاص و اذکار خاصی است که با یکدیگر متحدند و اتحاد آنها از قبیل اتحاد ماده و صورت می‌باشد و البته آن مقداری از این هیئت و ماده و صورت مد نظر است که قابل اتیان باشد.^۲

امام (ره) در این رابطه به هیئت سیاره، دار و امثال آن مثال می‌زند؛ مثلاً لفظ «دار» برای طبیعتی وضع شده که در آن سکونت شود، این طبیعت هم یک ماده دارد و هم یک هیئت که با سکونت در آن از سرما و گرما و نگاه مردم محفوظ است و این لفظ هم بر خانه‌ای که انسان‌های اولیه با چوب و برگ درختان می‌ساخته‌اند منطبق بوده و هم بر خانه‌های مجلل امروزی، پس لفظ «دار» برای طبیعتی وضع شده که متشکل از هیئت و اجزائی است که اتحاد آنها مثل اتحاد ماده و صورت است - بحث اتحاد ماده و صورت را آقا ضیاء عراقی مطرح کرده بود - پس این لفظ برای طبیعتی وضع شده که در اول تام اجزاء و الشرائط بوده و بر خانه امروزی هم که اجزاء آن تغییر کرده منطبق است، اگر فرض کنید یک مرتبه عالی برای

۱. مطارح الانظار، چاپ قدیم، ص ۷، سطر ۱۰.

۲. مناهج الوصول، ج ۱، ص ۱۵۷.

«دار» در نظر گرفته شود از قبیل خانه‌های مجلل امروزی و یک مرتبه ساده مثل خانه‌هایی که انسان‌های اولیه می‌ساخته‌اند این لفظ در ابتداء برای این طبیعت که شامل اجزاء و شرائط اولیه بوده وضع شده و بعد هم که تغییراتی در آن به وجود آمده باز هم تحت عنوان «دار» قرار می‌گیرند و این عنوان شامل اقسام مختلف و گوناگون این طبیعت می‌شود، حال اگر قسمتی از آن هم خراب شود باز هم عنوان «دار» بر آن اطلاق می‌شود. پس این لفظ برای طبیعتی وضع شده که هیئت و ماده‌ای دارد به نحو لابشرط و این مواد هم در آن هیئت فانی هستند لذا این لفظ بر همه انواع و اقسام آن طبیعت صدق می‌کند.

در ما نحن فیه هم مطلب از همین قرار است، امام (ره) می‌فرماید: «فَالصَّلَاةُ اسْمٌ لِلْهَيْئَةِ الْخَاصَّةِ الْحَالَّةِ فِي الْاِجْزَاءِ الْخَاصَّةِ مَأْخُوذَةٌ هِيَ وَالْهَيْئَةُ لِابْشَرُطٍ وَتَتَّحِدَانِ اِتِّحَادَ الْمَادَّةِ وَالصُّورَةِ»؛ نماز هیئت خاصی است که در اجزاء خاص حلول کرده و این هیئت با اجزاء متحد است مثل اتحاد صورت و ماده و هر دو هم به نحو لابشرط اخذ شده‌اند، این بیان امام (ره) در تعریف صلاة، هم بر نماز انسان عالم مختار حاضر صادق است، هم بر نماز مسافر، هم بر نماز شخص خوابیده و هم بر نماز غرق و امثال آن.

پس طبق فرمایش امام (ره) تصویر جامع ممکن است و ریشه سخن امام (ره) هم بر گرفته از کلام مرحوم شیخ انصاری است و آن جامع عبارت است از: طبیعتی که شامل افراد مختلف و متباین از عبادت می‌شود و این جامع هم علی القول بالصحیح قابل تصویر است هم علی القول بالاعم، ضمن اینکه ما همه تصویرهایی که برای جامع علی القول بالصحیح و الاعم ارائه شد رد کردیم اما می‌گوییم جامع وجود دارد، آنچه ما در مقام رد وجوه مختلف از تصویر جامع علی القول بالصحیح و الاعم گفتیم این بود که گفتیم این تصاویر برای جامع قابل قبول نیست ولی اصل امکان تصویر جامع را رد نکردیم لذا در عین حال که آن وجوه را رد کردیم می‌گوییم جامع وجود دارد و این جامع طبق هر دو قول (قول به صحیح و اعم) قابل تصویر است.

بحث جلسه آینده: به نظر می‌رسد آنچه امام (ره) برای تصویر جامع ارائه داده قابل قبول است لکن این تصویر از جامع هم دچار اشکالاتی است که ان شاء الله در جلسه آینده آنها را ذکر و مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»